

بشناسد، پاکستان و افغانستان از زمان تاسیس پاکستان در مورد خط مرزی با یکدیگر اختلاف نظر دارند و امیدواری پاکستان این بود که طالبان به عنوان یک نیروی نزدیک به پاکستان، آمادگی داشته باشند تا این مرز را به عنوان مرز رسمی دو کشور بپذیرد اما همین چند ماه پیش طالبان اعلام کرد که خط دیورند را به عنوان مرز پاکستان به رسمیت نمی شناسد، اینکه طالبان مرز دو کشور را به رسمیت نشناسد، باعث می شود که اختلاف های مرزی با افغانستان مانند استخوان لای زخم در روابط دو کشور باقی بماند. تجمین عامل این بود که با روی کار آمدن یک گروه همسو در افغانستان، اسلام آباد توقع داشته که در جامعه بین المللی یک متحد داشته باشد که در منطقه و جوغ کنار پاکستان بایستد. این اتفاق هر رخ نداد و طالبان مواضعی متفاوت از پاکستان اتخاذ کرد. پاکستان به این نتیجه رسید که بر خلاف انتظارش طالبان حکومتی مطلوب برای اسلام آباد در افغانستان نیست.

«دو طرف همدیگر را رسماً به حمایت از تروریسم متهم کردند. فکر می‌کنید مسئله تروریسم تا چه اندازه انگیزه اصلی برای درگیری‌های اخیر باشد؟

به نظر من تروریسم مسئله اصلی دو طرف نیست. تروریسم چیزی بود که دو طرف می توانستند در مورد آن با یکدیگر کنار بیایند. آس آی یا اطلاعات نظامی پاکستان یک گروه با نفوذ و قدرتمند است که الان هم روابط با افغانستان را مدیریت می کند و حتی در مذاکرات استانبول هم هیئت مذاکره کننده پاکستان در اختیار آنها بود. تروریسم برای آس آی چندان مسئله مهمی نیست، سوابق و تاریخ آس آی نشان می دهد که چگونه از تروریسم برای پیش بردن اهداف و برنامه های پاکستان بهره داری کرده است. آس آی به سادگی می تواند تروریست تولید بکند و با تروریسم مبارزه کند. تردیدی وجود ندارد که در شرایط فعلی هم آس آی از تروریسم برای پیشبرد اهداف پاکستان در افغانستان استفاده می کند. من انتظار دارم که بعد از شکست مذاکرات طالبان و پاکستان، آس آی حمایت خود را از گروه های معارض با طالبان افزایش دهد، چه دانش و گروه های تروریستی که در خاک افغانستان فعالیت می کنند و چه گروه های معارضی مانند گروه تحت رهبری احمد مسعود.

اسلام‌آباد انتظارات متعددی از طالبان داشت و طالبان خیلی از این خواسته‌ها و مطالبه‌ها را برآورده نکرده‌است. نخستین مورد این بود که پاکستان امیدوار بود که به حکومت رسیدن طالبان در افغانستان باعث شود این کشور به عمق استراتژیک اسلام‌آباد تبدیل شود. طالبان دست‌پروژه ای‌اس‌ای (سازمان اطلاعات نظامی پاکستان) بود و به همین دلیل پاکستان انتظار داشت که طالبان در چارچوب منافع ارتش پاکستان عمل کند. دوم اینکه پاکستان انتظار داشت طالبان با قدرت گرفتن در افغانستان جلوی حمایت‌ها از گروه‌های جدایی طلب در خاک پاکستان را بگیرد، چه گروه‌های بلوچ و چه گروه‌های پشتون از جمله تحریک طالبان پاکستان. مشکل بزرگی برای امنیت پاکستان بودند. سومین انتظار اسلام‌آباد این بود که طالبان ارتباط افغانستان را با هند قطع کند. هندی‌ها یک اصل را در سیاست خارجی رعایت می‌کنند که روابط خود را با همسایگان همسایه متخاصم تقویت کنند و به همین دلیل هندی‌ها تلاش می‌کنند تا روابط بسیار حسنه‌ای با افغانستان داشته‌باشند. در برابر پاکستان امیدوار است که رابطه میان همسایگانش با هند خصمانه نباشد. ادخال وی دیگر پاکستان این بود که یک سو خیالش بابت گروه‌های تندرو در داخل پاکستان خوش راحت باشد و از سوی دیگر بتواند طالبان را تحریک کند تا از تندروهایی که علیه امنیت ملی هند فعالیت می‌کنند حمایت کند. چهارمین انتظار پاکستان این بود که طالبان خط دیورند را به عنوان مرز رسمی میان دو کشور به رسمیت

با شکست مذاکرات میان پاکستان و طالبان برای پایان درگیری‌ها در مرز میان دو کشور و تکرار حملات تروریستی در خاک پاکستان، نگرانی‌ها نسبت به از سرگیری جنگ میان طالبان و پاکستان افزایش پیدا کرد. به اعتقاد کارشناسان جنگ میان طالبان و پاکستان به دلیل ایجاد ناامنی در مرزهای شرقی بر ایران هم تأثیر خواهد گذاشت و می‌تواند باعث آسیب به امنیت ایران شود. محمدحسین بنی‌اسدی، سرکنسول پیشین ایران در لاهور پاکستان و کارشناس مسائل شبه‌قاره معتقد است که سیاست خارجی ایران در قبال طالبان دچار مشکل است و درک درستی از تهدید طالبان برای امنیت ایران در دستگاه سیاست خارجی وجود ندارد. به اعتقاد این دیپلمات پیشین، ایران و پاکستان باید برای مقابله با طالبان و تغییر ماهیت حکومت افغانستان با یکدیگر متحد شوند. قزاقستان به دلیل کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با محمدحسین بنی‌اسدی، سرکنسول پیشین جمهوری اسلامی ایران در لاهور، مطالعه می‌کند.

✶ گفت‌وگوها میان دولت پاکستان و طالبان در استانبول شکست خورد و مقام‌های پاکستان رسماً اعلام کردند که این گفت‌وگوها متوقف شده‌است. خواسته‌های پاکستان از طالبان چه بود و چرا طالبان این مطالبات را برآورده نکرد؟

مرزهای داغ شرق

شکست مذاکرات طالبان و پاکستان نگرانی نسبت به از سرگیری جنگ در مرزهای شرقی ایران را تشدید کرد



در تأمین امنیت مرزها را تشدید کرده است؛ مسئله‌ای که می‌تواند نته‌ها برای پاکستان بلکه برای همه کشورهای همسایه، از جمله ایران نیز خطرآفرین باشد.

احتمال از سرگیری درگیری‌ها میان پاکستان و طالبان، نگرانی‌ها در مورد امنیت مرزهای شرقی ایران را افزایش داده است. کارشناسان منطقه از زمان خروج آمریکا از افغانستان، هشدار داده بودند که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، خاک این کشور می‌تواند به محلی برای رشد و توسعه گروه‌های تروریستی و سرریز تروریسم و افراطی‌گری، به خاک ایران شود. هر چند در طول چهار سال گذشته، میزان نفوذ گروه‌های تروریستی از خاک افغانستان به ایران افزایش چشمگیری پیدا نکرده است، اما در همسایگی ایران،

خود را از افغانستان خارج کرد و طالبان قدرت را در کابل
در اختیار گرفت، امنیت مرزهای شرقی ایران به یکی از
نگرانی‌های عمده تبدیل شده است. طالبان با ادعای
مبارزه با گروه‌های تروریستی و ستیزه‌جو در خاک خود،
تلاش کرده است که در مورد امنیت کشورهای همسایه
تضمین‌هایی ارائه دهد. جمهوری اسلامی ایران نیز
بر اساس همین تضمین‌های طالبان، تلاش کرده است که
وضعیت خوبی با حکومت جدید طالبان در افغانستان برقرار
کند. اما استمرار حملات تروریستی در پاکستان و اتهام‌زنی
مقام‌های پاکستان به طالبان بی‌بر حایت از طرف گروه‌های
تروریستی، نگرانی‌ها نسبت به عزم و اراده طالبان برای
مبارزه با تروریسم و همچنین توانایی حکومت این گروه



دو هفته پیش دولت پاکستان رسماً شکست مذاکرات آتش‌بس میان اسلام‌آباد و طالبان برای پایان دادن به درگیری‌های مرزی میان دو طرف را اعلام کرد. شکست مذاکرات استانبول و تشدید حملات تروریستی در خاک پاکستان نگرانی‌ها را تشدید کرده است. از سال ۲۰۲۱ پاکستان و افغانستان را تشدید کرده است. از سال ۲۰۲۱ که ایالات متحده آمریکا به صورت ناگهانی تمامی نیروهای

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



ایران و بریکس پلاس

پیوستن رسمی ایران به بریکس پلاس (BRICS) در سال ۲۰۲۴ یک سیگنال دیپلماتیک مهم بود: اوج گیری تلاش های دیرینه تهران برای همسویی نزدیک تر با اقتصادهای نوظهور خارج از حوزه غرب. این اقدام به طور گسترده به عنوان تلاشی برای تقویت اهمیت جهانی ایران، متنوع سازی مشارک های اقتصادی و کسب مشروعیت سیاسی در بوجوه تحریم های مداوم، تلقی شد. درحالی که عضویت در بریکس پلاس بستر گسترده تری را برای گفت وگو و اختیار ایران قرار داده است، منافع مادی آن همچنان محدود است. این مقاله به بررسی پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی عضویت ایران در بریکس پلاس می پردازد؛ با تمرکز ویژه بر تأثیرات آن در قفقاز جنوبی، جایی که کربودرهای خام و نقل همپوشان و پولیایی های سیاسی، اتصال منطقه ای را شکل می دهند. گروه گسترش یافته بریکس — که شامل برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، ایران، مصر، اتیوپی و امارات متحده عربی است — در مجموع حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (بر اساس قدرت خرید) و بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان را نمایندگی می کند. به رغم گستره چشمگیر خود، بریکس پلاس یک پلتفرم مشورتی باقی مانده است نه یک اتحادیه اقتصادی یکپارچه. این گروه فاقد ارز مشترک، سیاست تجاری یا سازوکار تحریمی جمعی است. نهاد مالی اصلی آن، بانک توسعه جدید (NDB)، به طور انتخابی وام می دهد و در قبال اقتصادهای پرخطر یا تحریم شده مانند ایران، محتاط عمل کرده است. مقایسه با عضویت قبلی ایران در سازمان همکاری شانگهای (SCO) در سال ۲۰۲۳ آموزنده است. بریکس پلاس نیز مانند سازمان همکاری شانگهای، حضور دیپلماتیک ایران را تقویت می کند اما قادر به تغییر واقعیت های اقتصاد کلان آن نیست.

ایران همچنان در محدودیت‌های تحریم‌های
الات متحده و تحریم‌های سازمان ملل متحد که
مجدداً افعال شده اند، فعالیت می‌کند: تحریم‌هایی که
دسترسی آن به امور مالی و فناوری جهانی را محدود
می‌سازند. نفت همچنان منبع اصلی درآمد آن است.
ادامه تحریم‌های ثانویه حتی شرکای دلسوز را نیز از
عمیق همکاری دلسوز می‌کند. در حالی که تهران بر
تعمیم‌های پرداخت با گزینان با استفاده از ارزهای
محلی (یوان، روبل، درهم) تأکید می‌کند، چنین
ترتیبی همچنان حجم کمی دارند و به شدت به
سیاست‌های دولت‌های شریک وابسته هستند.

سیاست منطقه‌ای ایران، قفقاز جنوبی را به عنوان یک منطقه ترانزیتی و امنیتی کلیدی می‌بیند که خلیج فارس را به دریای سیاه و بازارهای اوراسیا متصل می‌کند. کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) محور اصلی این دیدگاه است. مطالعات این کریدور تخمین می‌زند که با تغییر مسیر حمل بار به یک مسیر چندوجهی ۷۲۰۰ کیلومتری که بنادر هند، ایران، حوضه خزر و روسیه را به هم متصل می‌کند، می‌تواند زمان حمل و نقل بین هند و روسیه را از تقریباً ۳۵ روز ۲۰ روز (از طریق کانال سوئز) به حدود ۲۵ تا ۳۰ روز کاهش دهد و هزینه‌های حمل و نقل را تا حدود ۴۰ درصد کم کند.

عضویت ایران در بریکس پلاس نشان دهنده پشتکار دیپلماتیک است اما محدودیت‌های اقتصادی آن را به طور اساسی تغییر نمی‌دهد. این کشور به گفت‌وگو دست یافته است، نه ادغام ساختاری. توانایی آن برای تأثیرگذاری در تحولات قفقاز جنوبی کمتر به وضعیت عضویت آن و بیشتر به ظرفیت آن برای ارائه اتصال قابل اعتماد، ثبات انرژی و مشارکت‌های قابل پیش‌بینی بستگی خواهد داشت.

برای ارمنستان، همکاری با ایران یک جزء عملی از تلاش‌های تنوع‌بخشی باقی می‌ماند. برای آذربایجان، بریکس پلاس قابلیت دید ایران را گسترش می‌دهد اما پویایی‌های قدرت منطقه‌ای را مستقیماً تغییر نمی‌دهد. برای ایران، چالش این است که مشارکت نامدین را به نتایج قابل اندازه‌گیری تبدیل کند: راسک که با تحریم‌ها، شفافیت مالی محدود و درک رکی جبهانی، پیچیده شده است. کارشناسان معتقدند بازگشت ایران به تالارهای سطح بالا ناشناس است. اما نفوذ آن مشروط بر این می‌ماند: که به توانایی آن در مدیریت فشار خارجی و اجرای اصلاحات داخلی وابسته است.